



A Comparative Study of the “Opponent” in the scriptures of Christianity and Islam (Protestant and Shiite)

✉ **Alireza Nikbean**  / MA in Sociology, Baqir-ul-Ulum University
Miqdad Izadipour / Level 3 Seminary Student, Khatam al-Nabiyyin institute
Received: 2023/12/16 - **Accepted:** 2024/03/14

a.nikbean@mail.ir
meqiza@mail.ir

Abstract

After the spread of secularism, religion was excluded from society, except when it had a function and solved problems in the human world. The purpose of this research is not to prove the legitimacy, but to verify the application of Islamic texts compared to Christian texts. The church has given up some of its positions, which shows the necessity of such research. This study deals with “opponent” and encountering it as one of human’s interactions. After defining the problem, limiting the scope, and expressing the apparent similarities and differences, the research data was collected using documentary and library methods and then described and explained through content analysis. The results show that Islam has been opposed more than Christianity. Islam has opposed less and most of its opposition has been to protect the right path. When Islam has had no power, it has opposed more in the field of speech and then thought, not in action; therefore, unlike Christianity, this approach of Islam has not led to irreparable actions.

Keywords: confrontation, opposition, disagreement, scripture, Islam, Christianity.

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی «مخالف» و مواجهه با آن در متون مقدس مسیحیت و اسلام (پروتستان و شیعه)

a.nikbean@mail.ir

meqiza@mail.ir

علیرضا نیک‌بین  / کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم

مقداد ایزدی‌پور / طلبه سطح سه تخصصی حوزه، مؤسسه خاتم‌النبین

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

چکیده

بعد از گسترش دنیاگرایی، دین از جامعه کنار زده شد؛ مگر زمانی که کارکرد داشته و مشکلاتی از دنیای انسان را حل کرده باشد. هدف این تحقیق، نه اثبات حقانیت، بلکه احراز کاربرد متون اسلامی نسبت به متون مسیحی است. کلیسا نیز برای چنین مقصودی از برخی مواضع خود صرف‌نظر کرده است که همین امر نشان از ضرورت این‌گونه تحقیقات دارد. «مخالف» و مواجهه با او به‌عنوان یکی از تعاملات بشری موضوع این پژوهش است که بعد از تعریف مسئله و تحدید دامنه و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری مطلب، داده‌های پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شد و سپس توسط تحلیل مضمون توصیف و تبیین گردید. نتیجه آنکه با اسلام در مقایسه با مسیحیت بیشتر مخالفت شده؛ ولی خود اسلام کمتر مخالفت کرده است و بیشتر مخالفت‌هایش برای پاسداشت حق بوده؛ آن هم هنگامی که قدرتی نداشته است؛ به همین سبب بیشتر در ساحت گفتار و سپس پندار مخالفت کرده است، نه کردار؛ بنابراین این رویکرد اسلام - برخلاف مسیحیت - به اقدامات جبران‌ناپذیر منجر نشده است.

کلیدواژه‌ها: مواجهه، مخالف، مخالفت، متن مقدس، اسلام، مسیحیت.

مقدمه

مناظرات ادیان مختلف حاکی از آن است که حق‌پنداری فقط به مسلمانان اختصاص نداشته؛ بلکه شیوه رایج گذشتگان، حتی افراد داخل یک دین بوده و گاهی به درگیری و کشتار انسان‌ها نیز ختم می‌شده است. بعد از خون‌ریزی‌های فراوان در اروپا در قرون انتهایی هزاره دوم میلادی، روند جدایی عرصه‌های مختلف از دین آنان آغاز شد. از طرفی دیگر، انسان بر همه چیز اهمیت پیدا کرد؛ به‌طوری که فیلسوفان و متکلمان حقیقت‌پژوه جایگاه خود را به روان‌شناسان و جامعه‌شناسان انسان‌پژوه واگذار کردند. متأسفانه در غرب مدرن اگر از دین صحبتی می‌شد، به‌دلیل ارتباطش با انسان بود، نه انکشاف واقعیت. تداوم این جریان مشکلات فراوانی را برای بشر به‌وجود آورد؛ تا جایی که همان منتقدان و مخالفان دین راه برون‌رفت از وضعیت به‌وجودآمده را احیای دین دانستند؛ البته دینی که کارکرد آن مهم بود، نه حقانیتش؛ زیرا تکثرگرایی دینی نیاز به حقانیت را برطرف می‌کرد. به‌عبارتی دیگر، انسان همچنان محور بود؛ ولی از نظر عمل‌گراها دینی بهتر است که کارکرد بیشتری داشته باشد (پناهی آزاد و احمدوند، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰) و مشکلات بیشتری را از دنیای او حل کند. این‌گونه بود که کارکرد کانتی بر فضیلت ارسطویی تقدم پیدا کرد. هرچند کمرنگ شدن حقیقت‌گرایی جای تأسف دارد، اما تحقیق حاضر، فارغ از حقانیت مسیحیت و اسلام، به‌دنبال فهم آن است که گزاره‌ها و متون مقدس کدام دین قابلیت کارکرد و کارایی بهتر برای انسان امروزی را دارد. به همین سبب، «مخالف» و مواجهه با آن، که در تعاملات فردی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است، انتخاب می‌شود تا قابلیت کارکرد هریک از این متون در زمینه موضوع مطرح‌شده مشخص شود. برای این منظور، از قالب تطبیق استفاده می‌گردد و پرسیده می‌شود که وجوه اشتراک و افتراق «مخالف» و مواجهه با آن در متون مقدس مسیحیت و اسلام چیست؟

در فضای گفت‌وگویی بین ادیان - که زمان و توان مورد نیاز خود را می‌طلبد - انسان حق‌گریز و عمل‌گرای امروزی ممکن است تحت‌تأثیر تبلیغات کارکردگرایانه و اخلاق‌مدارانه جریان‌های الحادی و ضد دین قرار گیرد و در دام آنها بیفتد؛ از همین رو پاسخ به امثال پرسشی که بیان شده، اهمیت پیدا می‌کند. این بایستگی حتی برای مسیحیت نیز احساس شده است؛ زیرا کلیسا که قبل از این، موضوعات را در اعتقادات، اخلاقیات و شریعات مطرح می‌کرد، گویی اخلاق را به‌دلیل کارکرد بالای خود، مهم‌تر از همه می‌داند و الهیات اخلاقی را، آن‌هم در جهت انسان‌گرایی، پیگیری می‌کند؛ تا جایی که در موضوعاتی مانند همجنس‌گرایی و تکامل‌گرایی، مواضعی خلاف سلف خود اتخاذ کرده است. بنابراین ضروری است که مبلغین اسلامی علاوه بر بیان حقیقت، برای انسان مدرن امروزی کاربرد دین خود را نمایان کنند تا مبشرین مسیحی با جامعه هدف یادشده تنها نباشند.

هدف این نوشتار بررسی رفتارهایی است که در متون مقدس توسط واژه «مخالف» و مشتقات آن توصیف شده است. کنش‌های زیادی در متون مقدس هر دو دین وجود دارد که در حال شرح ارتباطات و اقدامات مرتبط با پدیده «مخالفت» هستند؛ ولی کشف آنها از حوصله و حجم این پژوهش خارج است. برای نمونه، تنها از امیر مؤمنان علیه السلام

احادیث قابل توجهی در مواجهه با مخالف بزرگی همچون معاویه ابن ابی سفیان ایراد شده و نکات تربیتی و سیاسی نابی را در دل خود جای داده که استحصای آنها نیازمند پژوهشی مفصل تر به کمک علوم تفسیری خاص است.

پیشینه تحقیق

نحوه برخورد با مخالفین، از موضوعات مورد استقبال محققین است که هریک به نسبت دانش و تخصص خود به آن پرداخته اند. در ادامه چند نمونه مرور می شود:

لطیفی و ظریفیان یگانه (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی (ع)» به مواجهات آن حضرت با نیت، سابقه، شرایط روحی و جایگاه مخالف اشاره کرده اند. تعاریف و دسته بندی خوب، از ویژگی های تحقیق یاد شده بوده که مورد استفاده مقاله حاضر نیز قرار گرفته است.

رزاقی موسوی (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، مواجهات پیامبر خاتم (ص) با مخالفان را بررسی کرده است. پژوهش یاد شده با نگرشی سیاسی - اجتماعی به دنبال الگوسازی از این مواجهات است. این اثر نیز همانند مورد پیشین فقط از مجرای سنت به موضوع نگریسته و مورد استفاده بخش تعاریف تحقیق پیش رو قرار گرفته است؛ ولی پژوهش منتشر شده ای که «مخالف» را در متن مقدس هر دو دین کنکاش کرده باشد، یافت نشد.

۱. تعریف مفاهیم و بیان مبانی نظری

لازم است قبل از شروع بحث، برخی از اصطلاحات و مبانی نظری این تحقیق بیان شود.

۱-۱. تطبیق

تطبیق، از حیث لغت در لسان عرب به معنای برابر کردن است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۴۳۹). برای نمونه، مستحب است لب های میت باهم تطبیق کنند؛ یعنی روی هم قرار گیرند و برابر شوند (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۷۵). در لغت نامه ذیل این کلمه آمده است: «برابر کردن و موافق نمودن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه تطبیق). معین نیز می گوید: «برابر ساختن دو چیز با یکدیگر» (معین، ۱۳۸۹، ذیل واژه تطبیق). فرهنگ عمید نیز نظری مشابه دارد و بیان می کند: «دو چیز را با یکدیگر برابر کردن، برابر ساختن» (عمید، ۱۳۸۹، ذیل واژه تطبیق). وجه مشترک معانی یاد شده تلاش برای برابر کردن است و لازمه این عمل، پذیرفتن نابرابری دو چیز است و این امر محقق نمی شود، مگر آنکه ابتدا به کمیت و کیفیت آن دو چیز علم حاصل شود.

در اصطلاح، مطالعات تطبیقی یا روش تطبیقی یکی از روش های متداول در علوم انسانی است که با گذر از مشکلات و تنگناهای اساسی در ارتباط با مسئله ذات گرای و تطبیق پدیده های اجتماعی و انسانی در تمام فرهنگ ها و ادیان، برای روشن کردن ابعاد پدیده مورد مطالعه، امکان نقد و داوری درباره آن را فراهم می کند و راه را برای گفت و گو و تعامل میان فرهنگ ها باز می کند (صادقی شهپر، ۱۳۸۷، ص ۷۷).

۱-۲. متون مقدس

هرچند عده‌ای معتقدند که واژه «متون مقدس» یک اصطلاح الهیاتی و غربی است و بهتر است از کلمه «منابع دینی» استفاده شود، ولی دعوا پیرامون پذیرفتن اطلاق «دین» توسط پیروان و همچنین متعدد بودن منابع هر دین، تحقیق حاضر را ناگزیر کرده است که از واژه «متون مقدس» استفاده کند. هر آیینی بر اساس متونی به حیات خود ادامه می‌دهد که نزد پیروان آنها مقدس انگاشته و بدان عمل می‌شود. در خصوص چیستی متن مقدس می‌توان بیان کرد که رهاوردی از امر مقدس است (آرام و فاضلی، ۱۳۹۷، ص ۵). این امر حاصل از نیروی موجودی مطلقاً دگر است. به تلاش محققان، قداست امری رازناک، قدرتمند و مهیب معرفی می‌شود (Stephen, 2003, p.18-43). خصوصیات یادشده می‌تواند توسط یک مؤمن احصا شود یا تاریخ این گواهی را بدهد؛ اما بهتر است که تلفیقی از هر دو باشد؛ یعنی هم پیروان آن به اثرپذیری از متن معترف باشند و هم تاریخ، اعتبار آن را گواهی کند. مسیحیت و اسلام دارای شاخه‌های مختلفی هستند؛ ولی از آنجایی که پروتستان و شیعه در زبان فارسی نقش پررنگی دارند، از این رو به همین دو بسنده شده است. با این مقدمه، متون مقدس مسیحیت و اسلام مشخص می‌شوند.

۱-۲-۱. متن مقدس مسیحیت (پروتستان)

از دیدگاه مؤسسان نهضت پروتستان، تنها منبع دارای حجیت، «کتاب مقدس و تنها کتاب مقدس» است. آنان معتقدند که تنها معیار برای راست‌کشی و تعیین اعتقادات و مناسک درست، کتاب مقدس است که به هیچ مفسری نیاز ندارد و هر شخص مسیحی می‌تواند به آن مراجعه کند و آموزه‌های عقیدتی و احکام عملی خود را از آن بگیرد (رام، ۱۹۵۰، ص ۳). کتاب مقدس مسیحیان دارای دو بخش به نام‌های عهد جدید و عهد قدیم است. عهد عتیق در مجموع متشکل از ۳۹ کتاب است که به‌طور مشترک بین یهودیان و مسیحیان مقدس شمرده می‌شوند. عهد جدید نیز از مجموعه ۲۷ کتاب و رساله تشکیل شده است. البته در تعداد کتاب‌های مقدس، بین مسیحیان اختلاف هست؛ کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها علاوه بر این ۶۶ کتاب، کتاب‌های دیگری را نیز معتبر می‌دانند. هر متنی که کتاب مقدس محسوب شود، خطاناپذیر خواهد بود. بیانیه سال ۱۹۷۸ شیکاگو درباره این اعتقاد می‌نویسد: «تأیید اینکه کتاب مقدس کاملاً صحیح و قابل اعتماد است، برای فهم کامل و تصدیق حجیت آن ضروری است».

با این اوصاف، ایمان‌داران و گواهی تاریخ، مقدس بودن این کتاب را تأیید می‌کنند؛ زیرا رازناک است و ایشان بارها این کلمه را درباره متون خود به کار برده‌اند؛ قدرتمند است و سال‌ها در قلوب مؤمنین خود جای داشته؛ و مهیب است و همه ایمان‌داران خود را به کرنش واداشته است.

درباره منبع و نحوه صدور این متن نیز نظراتی وجود دارد. از نظر مسیحیان، الهام گاهی «غیرلفظی» و گاهی «لفظ‌محور» است (Law, 2001, p.234)؛ به عبارتی، گاهی فقط محتوا الهامی است و گاهی الفاظ نیز الهام شده‌اند. بخشی از مسیحیان، علاوه بر محتوا، عبارات و کلمات کتاب مقدس را نیز به‌نحو الهامی می‌دانند (Bowden, 2005, p.629)؛ ولی توجه به

الهام غیرلفظی راه برای ترجمه‌های متعدد عهدین باز می‌گذارد. بدین ترتیب، توسط کلیساهای مختلف ترجمه‌های گوناگونی از کتاب مقدس تولید و منتشر شده است. در زبان فارسی چند ترجمه از کتاب مقدس وجود دارد که معتبرترین آنها به «ترجمه قدیم» موسوم است. این ترجمه را هنری مارتین و ویلیام گلن از نسخه انگلیسی به فارسی برگرداندند که ترجمه نسبتاً خوبی است (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۹۳).

۲-۱. متن مقدس اسلام (شیعه)

شیعیان نیز به‌اذعان خود و گواه تاریخ متونی دارند که در عین رازناکی و خبر دادن از عالم غیب، سال‌هاست در قلوبشان نفوذ کرده است و ایشان در برابر آن کرنش می‌کنند و آن را حجت بر خود می‌دانند. متن مقدس مسلمانان شیعه بدین قرار است: **قرآن:** قرآن کتاب مقدس مسلمانان است که به اعتقاد آنها سخنان خداوند یکتا با نام اصلی «الله» و بزرگ‌ترین معجزه حضرت محمد ﷺ و روشن‌ترین دلیل بر پیامبری اوست (معرفت، ۱۳۹۴، ص ۲۰). قرآن در نگرش اسلامی کتابی کاملاً خطاناپذیر است که هم الفاظ و هم معنای آن وحی الهی است و خداوند برای اثبات اعجاز آن تحدی کرده است. **سنت (حدیث):** گفتار، کردار و تقریر معصوم را سنت نامند که پس از قرآن دومین منبع اجتهاد شمرده می‌شود. به‌اجماع مسلمانان، سنت پیامبر حجت است. به اعتقاد شیعه، سنت امامان دوازده‌گانه ﷺ و حضرت زهرا ﷺ نیز حجت دارد که به وسیله قرآن قابل اثبات است: «فَبِهَذَا هُمْ أَقْتَدِهِ» (انعام: ۹۰)؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن. همچنین می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ از خدا و رسول و صاحب امرتان اطاعت کنید. اولی الامر مطابق تفسیر مکتب اهل بیت ﷺ، چهارده معصوم‌اند. بنابراین علاوه بر سنت پیامبر ﷺ، سنت سایر معصومین (انبیا یا اوصیا و جانشینان پیامبر ﷺ) نیز حجت دارد. سنت طی سال‌ها مکتوب و بعدها توسط پیروان گردآوری شد و امروزه به عنوان احادیث در دسترس است. دانشمندان با استفاده از علم رجال، قطعیت صدور احادیث از معصومین ﷺ را بررسی می‌کنند. بر اساس رایج‌ترین دسته‌بندی، احادیث به ضعیف، موثق، حسن و صحیح تقسیم می‌شوند (نصیری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۹-۱۸۱). فقها برای صدور حکم و فتوا به نوع اخیر آن توجه دارند؛ ولی تحقیق پیش رو ظن به صدور را کافی می‌داند و همه اقشار حدیث را به عنوان متنی که برای شیعیان مقدس است، مبنای تحقیق خود قرار داده است.

۳-۱. مخالف

در معجم/الغنی چنین آمده است: «فاعل مِنْ "خَالَفَ"؛ کنشگر ناسازگار؛ «مُخَالَفٌ لِرَأْيِهِ: مُعَارِضٌ، مُعَاكِسٌ لِرَأْيِهِ»؛ مخالف نظر او یعنی کسی که در مقابل و عکس نظر اوست؛ «عَمَلٌ مُخَالَفٌ لِلْقَانُونِ: مُضَادٌّ لِلْقَانُونِ»؛ عمل مخالف قانون یعنی عمل ناهمسو با قانون (عبدالغنی، ۱۴۳۲ق، ذیل واژه مخالف). دیگر محققین نیز آن را به معنای «ضد و ناسازگار بودن و مغایر بودن با چیزی» (رزاقی موسوی، ۱۳۸۳، ص ۱۶) معنا کرده‌اند. در طرف دیگر، یعنی متون مسیحیت، بحث متفاوت است. همان‌طور که بیان شد، این تحقیق از ترجمه فارسی هنری مارتین استفاده می‌کند که در آن الفاظی چون Against (نحمیا ۱: ۷)، opponent (دوم سموئیل ۲: ۱۶)، adversary (خروج ۲۳: ۲۲) و...

به عنوان «مخالفت» ترجمه شده‌اند. همچنین کلماتی چون shrewd (دوم سموئیل ۲۲: ۲۷)، rejection (اعداد ۱۴: ۳۴)، different (استر ۳: ۸) و... با معانی تحت‌اللفظی زیرک، طرد کردن، متفاوت و... نیز به معنای «مخالفت» برگردان شده‌اند. بر اساس آنچه در بخش «تعریف مفاهیم و بیان مبانی نظری» بیان شد، این ترجمه مورد قبول مسیحیان بوده و از اعتبار واحدی با دیگر زبان‌های عهدین برخوردار است. بنابراین، نسخه «ترجمه قدیم» مورد اتفاق نظر مسیحیان است؛ لذا نظر و انتخاب گروه‌های ترجمه مسیحی را محترم شمرده شده، بدون واکاوی در مقصود مترجمین، همان کلمات فارسی مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

۱-۴. مواجهه

برخی مقصود از «مواجهه» را هرگونه واکنش و رفتار زبانی و غیرزبانی می‌دانند که در بستر ارتباطی بین اشخاص اتفاق می‌افتد (لطیفی و ظریفیان یگانه، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). از تعریف یادشده نمی‌توان پندار را به صراحت استخراج کرد؛ همچنین رابطه مفهومی «مواجهه» و «مخالفت» مشخص نیست. باید گفت، فعالیت‌هایی که آگاهانه، هدفدار و ارادای باشند، کنش‌اند. کنش‌ها پیامدهایی دارند که به خود کششگر و افراد دیگر وابسته‌اند. با این تعریف می‌توان گفت که مخالفت نیز نوعی از کنش است که به عنوان فعالیتی ثانویه به کنشی قبل از خودش تعلق دارد. از آنجایی که این نوشتار درصدد کشف مفاهیم جامعه‌شناسی نیست، به رفتار نفر اول که زمینه‌ساز مخالفت است، کنش و پیامد آنکه از نفر دوم صادر می‌شود واکنش یا مخالفت و رفتار دوباره نفر اول، کنش متقابل یا مواجهه با مخالف می‌گوید.

۲. روش تحقیق تطبیقی

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این خصوص، منابع علمی و پژوهش‌های پیشین و نیز بررسی اسناد و گزارش‌های مکتوب متون مقدس مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از روش‌های ساده و کارآمد واکاوی پژوهش‌های کیفی، تحلیل مضمون است که از آن برای شناخت، تحلیل و گزارش موجود در داده‌های کیفی استفاده می‌شود (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱). در این روش، اطلاعات پراکنده و متنوع به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌شوند. برای یک تطبیق کم‌خطا با خروجی مناسب بعد از شناخت مسئله، دامنه تحقیق مشخص می‌شود؛ سپس موارد مشابه و متفاوت استحصال و وصف می‌شود و در نهایت، مورد تبیین قرار می‌گیرد.

۳. توصیف یافته‌های تحقیق

۳-۱. مواجهه با مخالفان

همان‌طور که در بخش «تعریف مفاهیم و بیان مبانی نظری» مرور شد، «مخالفت» همان واکنشی است که از شخصی صادر می‌شود. یک «مخالفت» دست‌کم یک کنش در پیش و یکی در پس خود دارد که به ترتیب عبارت است از: «علت مخالفت» و «مواجهه با مخالف». با این بیان، ۵۷ مورد احصاشده از متون مقدس با کمک تحلیل مضمون دسته‌بندی و بر اساس مخالف منظم شد که بدین شرح است:

۱-۳. متون مقدس مسیحیت

در مجموع فقرات متون مقدس مسیحیان، پانزده مرتبه کلمه «مخالفت» و پانزده مرتبه کلمه «مخالف» تکرار شده است که در مجموع این سی بار، ۲۲ مواجهه توصیه یا عملی شده، که بدین شرح است:

(توجه: مواردی که فاقد مؤلفه است یا قابل استحصای نیست با خط تیره نمایش داده می‌شود).

جدول ۱. استحصای «مخالف» و «مخالفت» در متن مقدس مسیحیت

بند	منبع	عبارات متن مقدس	گوشده	مخاطب	مخالف	کنش او (محرک مخالفت)	واکنش او (مخالفت)	کنش مقابل (مخالفت)	عاقبت ماجرا	وضعیت مواجهه	قدرت مواجهه کننده	ساحت مواجهه	وسعت مواجهه	قابلیت جبران	بار واژه مخالف
۱	اعداد ۱۴: ۳۵-۳۲	مخالفت مرا	خدا	موسی	بنی اسرائیل	جاسوسی بنی اسرائیل	خدا وعده به مرگ و آوارگی	—	—	—	—	—	—	—	+
۲	دوم سموئیل ۲۲: ۲۸-۲۹	با کج خلقان مخالفت را خواهی کرد	داود	خدا	کج خلقان	کج خلقی	خدا	—	—	—	—	—	—	—	+
۳	یعقوب ۴: ۱۱-۱	خدا متکبران را مخالفت می‌کند	بنی اسرائیل	متکبران	تکبر	—	خدا	—	—	—	—	—	—	—	+
۴	خروج ۳۳: ۲۵-۲۰	مخالفت مخالفت	خدا	موسی	معارضان موسی	—	خدا	وعده هلاکت	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	+
۵	دانیال ۳: ۳۱-۲۸	به فرمان پادشاه مخالفت ورزیدند	دانیال	بنی اسرائیل	نبوکدنصر	فرمان به پرستش غیر خدا	شدرک و میشک و عبثو	پادشاه را احترام ننمودند و آنها را در آن عبادت نمی‌کنند	در آتش می‌سوزند و پادشاه خدای آنان را قبول می‌کند	باطل	در جایگاه قدرت	کردار	فردی	جبران‌ناپذیر	+
۶	حزقیال ۲۲: ۲۲-۲۳	به شریعت من مخالفت ورزیدند	حزقیال از قول خدا	بنی اسرائیل	خدا	—	کاهنان	به شریعت عمل نکردند و غضب هلاک خدا را بر سر ایشان وارد آورده‌ام	—	حق	در جایگاه قدرت	کردار	جمعی	جبران‌ناپذیر	-
۷	صفیا ۴: ۸-۱	به شریعت مخالفت می‌ورزیدند	خدا	اقوام فلسطینی	خدا	—	کاهنان	تخریب برج‌ها و کوچدها و شهرها را از بین بردن ساکنانش	هیان مخالفت	حق	در جایگاه قدرت	کردار	جمعی	جبران‌ناپذیر	-
۸	نحمیا ۱: ۴-۱۰	به تو مخالفت عظیمی ورزیدند	نحمیا	خدا	خدا	—	نحمیا به نمایندگی از بنی اسرائیل	نگاه نداشتن بر ساختن قوم در بین استعصا	استغاثه مخالف	حق	در جایگاه قدرت	کردار	جمعی	جبران‌پذیر	-
۹	رومیان ۱: ۱۰-۱۶	نامطیع و مخالف	اشعیا	بنی اسرائیل	اشعیا	—	بنی اسرائیل	نامطیع	—	حق	فاقد قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	-
۱۰	رسولان ۱۳: ۴۹-۴۲	با سخنان پولس مخالفت کردند	لوقا	بنی اسرائیل	زرتابا و پولوس	تبلیغ پرشور	یهود	کفر گفته و مقابل سخنان ایستادند	زرتابا و پولوس آنها را ترک گفته و سراغ ملت‌ها رفتند	حق	فاقد قدرت	کردار	جمعی	جبران‌پذیر	-
۱۱	اول تسالونیکیان ۲: ۱۵-۱۳	مخالف جمیع مردم	پولوس	تسالونیکیان	جمیع مردم	—	یهود	با کشتن عیسی به مردم جفا کردند	مذمت	حق	نامعلوم	گفتار	فردی	جبران‌پذیر	-
۱۲	رسولان ۸: ۱۱-۱	ایشان را مخالفت نمود، کفر می‌گفتند	لوقا	بنی اسرائیل	پولوس	شهادت به مسیح بودن عیسی	یهودیان قریس	کفر گفتند	وعده به ترک یهودیان	حق	فاقد قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	-
۱۳	رسولان ۲۸: ۲۵-۱۷	یهود مخالفت نمودند	لوقا	بنی اسرائیل	آزادی پولوس	تبلیغ	یهودیان اورشلیم	به قیصر روم رفع دعوی کرد	آزادی پولوس	حق	فاقد قدرت	گفتار	فردی	جبران‌پذیر	-

۱۴	استر ۱: ۸-۳	ایشان مخالف همه	هامان	اخشورش	شریعت همه اقوام ایران	—	شرایع یهود	به جای نیافریدن شرایع ایران	طلب حکمی برای نابودی یهود	حکم را می گیرد؛ اما موفق نمی شود	باطل	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	+
۱۵	رسولان ۱۳: ۳-۴	ایشان را مخالفت نموده	لوقا	بنی اسرائیل	نربایا و پولوس	برساندن کلام خدا به والی شهر	یهودی جانوگر	تلاش برای بی اثر کردن کلام خدا	پولوس به کمک روح القدس گفت کور شو	کور شد	حق	فاقد قدرت	کردار	فردی	جبران نابذیر	-
۱۶	غلاطیان ۲: ۱۱	آورا رونهرو مخالفت نمودم	پولوس	غلاطیان	بطرس	غذا خوردن با امست ها و مست کشیدن با آمدن مختوبین	پولوس	توبیح و ملائت در مقابل جمع	—	—	—	—	—	—	—	+
۱۷	دوم تسالونیکیان ۲: ۹-۱	که او مخالفت می کند	پولوس	تسالونیکیان	مسیحیان تسالونیکیان	—	مرد شیر	فریب می دهد و دعای خدایی می کند	هشدار	با نفس عیسی هلاک خواهد شد	حق	نامعلوم	گفتار	فردی	جبران بذیر	-
۱۸	مزمیر ۱۰۷: ۱۲-۸	به کلام خدا مخالفت نمودند	داود	بنی اسرائیل	کلام خدا	—	بنی اسرائیلیان	اهانت به تمسیت خدا	اگر یهود را بخوانند، رهایی یابند	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	+
۱۹	خروج ۲۳: ۲۲	مخالفت تو	داود	خدا	خدا	—	معارضان خدا	—	مکروه داود	—	حق	نامعلوم	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۰	مزمیر ۷۴: ۲۳-۱۸	مخالفت خود	داود	خدا	خدا	—	معارضان خدا	—	نفرین داود	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۱	مزمیر ۱۰۹: ۱-۶	با من مخالفت می کند	داود	خدا	داود	—	معارضان داود	دعا که دشمن بر آنها مسلط شود	جنگ، دروغ، شرارت	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۲	مزمیر ۶۱: ۱-۳	مخالفت	داود	خدا	داود	—	معارضان داود	پویشی و استمداد از خدا	—	—	حق	در جایگاه قدرت	پندار	فردی	جبران بذیر	-
۲۳	مزمیر ۷۵: ۴-۴	مخالفت خوشی	داود	خدا	داود	—	معارضان داود	آرزوی نابودی دشمن	—	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۴	مزمیر ۱۸: ۴۱-۳۷	مخالفت	داود	خدا	داود	—	معارضان داود	برنامه ریزی برای نابودی دشمن	—	—	حق	در جایگاه قدرت	پندار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۵	مزمیر ۱۰۹: ۲۳-۲۰	مخالفت	داود	خدا	داود	—	معارضان داود	تهدید دشمن	—	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۶	مزمیر ۱۴۳: ۱-۱۲	مخالفتان جان مرا	داود	خدا	داود	—	معارضان داود	آرزوی هلاکت	—	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۷	مزمیر ۱۷: ۱۲-۶	از مخالفان ایشان	داود	خدا	متوکلان به خدا	—	معارضان متوکلان به خدا	سخن متکبرانه و تلاش برای زمین زدن متوکلان	دعا برای رهای از مخالفان	—	حق	نامعلوم	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۸	خروج ۲۴: ۲۰	مخالفت	موسی	موسی	موسی	—	معارضان موسی	وعده هلاکت	—	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۲۹	لوقا ۱۳: ۱۴-۱۷	همه مخالفان او	لوقا	مسیحیان	عیسی	شفقا در سبت	معارضان عیسی	اعتراض کلامی که در شش روز دیگر شفا بده نه در سبت	پاسخ کلامی که شما در سبت شفا نمی دهید	مخالفت	حق	نامعلوم	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-
۳۰	رومان ۱: ۲۱-۱۴	مخالفتان تعلیم	پولوس	رومان	تعالیم آموخته شده	—	معارضان تعلیم راستین	یجاد تفرقه و لغزش و فریب راستین	توصیه به دوری از آنها	—	حق	فاقد قدرت	گفتار	جمعی	جبران بذیر	-

۲-۳. متون مقدس اسلام

در مجموع فقرات متن مقدس مسلمانان هشت مرتبه کلمه «مخالفت» و نوزده مرتبه کلمه «مخالف» تکرار شده است که در مجموع این ۲۷ بار، ۲۳ مواجهه توصیه یا عملی شده که بدین شرح است:

جدول ۲. استحصال «مخالف» و «مخالفت» در متن مقدس اسلام

بند	منش	عبارات متن مقدس	گوینده	مخاطب	مخالف	مخالف (محرک مخالفت)	واکنش او (مخالفت)	واکنش او (مخالفت)	کش متقابل مخالف (مواجهه)	عاقبت ماجرا	وضعیت مواجهه	قدرت مواجهه کننده	ساحت مواجهه	وسعت مواجهه	قابلیت جبران	بار واژه مخالف
۱	بهار، ج ۵۲، ص ۱۱۷	لا اَن يَخَالَفَ مَامَ صَاحِقٍ	ابی بصیر	مسلمانان	هوای نفس	—	متقین	خدا	—	—	—	—	—	—	—	+
۳	هود، ج ۸۸	مَا ارَادُكُمْ اَخَافُكُمْ	شعیب	مسلمانان	قوم شعیب	پست‌روستی و کبرفروشی	شعیب	تصحیح و نصیحت و اتمام حجت	تهدید به سنگسار	ناویدی قوم	باطل	در جایگاه قدرت	گفتار	فردی	جبران‌پذیر	+
۲۴	کاف، ج ۲۲۶، ص ۲۲۶	مَخَالَفَ لِهَوَايَهِ	مأم صادق	مسلمانان	هوای نفس	—	متقین	—	—	—	—	—	—	—	—	+
۱۴	کاف، ج ۱، ص ۶۷	مَخَالَفًا لَهُمْ	مأم صادق	شیعیان	مسلمانان	غیر شیعه	حدیث (خیر)	عدم تطبیق	—	حق است و رد دیگری	—	—	—	—	—	+
۷	صفات الشیعه، ج ۳۲، ص ۳۲	فَمَنْ رَأَيْتُمْ مِنْ اَخَافِكَ ذَلِكِ	مأم صادق	مسلمانان	—	گزاره «یکی بودن مؤمنین»	متناقض	—	نام منافقین بر او نهاده شد	حق	فایده قدرت	گفتار	فردی	جبران‌پذیر	—	-
۱۰	کاف، ج ۲، ص ۲	مَخَالَفًا لَهُ	مأم صادق	شیعیان	خدا و رسول	غیاب (فوت) رسول	عدم تطابق	—	مذمت	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۲	نور، ج ۶۳	الَّذِينَ يَخَالَفُونَ عَنْ اَمْرِ	خدا	مسلمانان	امر پیامبر	فرمان الهی را متقل می‌کند	متردبین از فرمان سر دستور پیامبر باز می‌زنند	تهدید به عذابی در ناک	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۵	کاف، ج ۸۳، ص ۳۳۳	الْاِتِّفَاقُ اَوْ يَخَالَفُ	پیامبر	مسلمانان	خاندان پیامبر	برو بخشی برای هدایت	معارضان خاندان نبوت	رد سخن و عده هلاکت	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۶	تفسیر کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۶۰	مَنْ خَالَفَ مِنْ خَالَفَ كُلَّهُمْ	مأم سجاد	شخصی	خاندان نبوت	—	معارضان خاندان نبوت	وعده عذاب	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۲	کاف، ج ۸۳، ص ۳۳۳	مَخَالَفًا لَنَا	پیامبر	مسلمانان	خاندان پیامبر	—	دل معارضان خاندان پیامبر	هواکش نشدن و عده هلاکت	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۳	کاف، ج ۱۲، ص ۱۷۰	اِنْ كَانَ مُخَالَفًا	مأم صادق	شیعیان	خاندان پیامبر	—	معارضان خاندان پیامبر	وعده عذاب	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۵	کاف، ج ۱، ص ۲۰۸	وَلَمْ يَخَالَفْ لِمَخَالَفِيْنَهُمْ	امام باقر از زبان پیامبر	مسلمانان	خاندان پیامبر	—	معارضان خاندان نبوت	تهدید و محرم کردن حضرت از شفاعت	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۶	کاف، ج ۳، ص ۲۷۳	خَلَفَ الْمَخَالَفِيْنَ	امام باقر	مسلمین	ولایت	—	معارضان خاندان نبوت	دستور به بی‌اعتنایی	—	حق	فایده قدرت	پندار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۷	تهدیه، ج ۶، ص ۲۲۶	اَحْكَامَ الْمَخَالَفِيْنَ	امام هادی	مسلمین	اهل بیت	—	معارضان خاندان نبوت	در صورت تقیه می‌توان از احکامشان گرفت	—	حق	فایده قدرت	پندار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۸	تهدیه، ج ۸، ص ۲۱۶	خَلْفِيْ مَخَالَفِيْنَ	مأم صادق	مسلمین	ولایت	—	معارضان خاندان نبوت	تظاهر کردن به مشایبت با مخالفان	—	حق	فایده قدرت	کردار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۹	وسائل، ج ۴، ص ۳۱۱	اَلْمَخَالَفِيْنَ عَنِتًا	یکی از شیعیان	امام معصوم	ولایت	—	معارضان خاندان نبوت	رد ادعا	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۲۰	تهدیه، ج ۶، ص ۲۲۶	مَنْ اَخَالَفَ الْمَخَالَفِيْنَ	امام جواد	شیعیان	ولایت	—	معارضان خاندان نبوت	تقیه	—	حق	فایده قدرت	گفتار و کردار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۴	طه، ج ۸۶، ص ۸۶	فَاَقْلَمُ مَوْعِدِيْ	موسی	مسلمانان	بنی اسرائیل	خوالاتی شدن غیبت	بنی اسرائیل نمی‌توانست	توبیخ	اعدام	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۲۳	کاف، ج ۳۱، ص ۳۱	اَزْدَتْ اَلْمَخَالَفِيْنَ	امام علی	مسلمانان	امام	وسعی پیامبر	معارضان امام	غضب و خرافت	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۱۱	کاف، ج ۸، ص ۲	مَنْ خَالَفَكَ	مأم صادق	شیعیان	یاران امام	—	معارضان یاران امام	هم‌عقیده نبوت	—	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-
۲۶	تهدیه، ج ۴، ص ۵۵	اِمَامًا مَخَالَفًا	مأم صادق	مسلمانان	شیعیان	پابندی به ولایت	بغض داران به شیعه	بغض و کینه	استقامت و استفاده از تقیه و خوش رفتاری	حق	فایده قدرت	گفتار	جمعی	جبران‌پذیر	—	-

۲۲	کافی ج ۷، ص ۳۸۷	برجل مخالف	امام کاظم	مسئول قضی ل	محدثین ق	یکی از معارضان امام	—	شهادت دروغ درباره مخالف	—	حق	فاقد قدرت	پندار	فردی	جبران پذیر	—
۲۷	کافی ج ۲، ص ۱۶۲	آئین مخالفین	مام صادق	مسلمانان	مذهب شیعه	پدر و مادر یک شیعه	—	استنفا از امام	فرمان به خوشرفتاری	حق	فاقد قدرت	گفتار	فردی	جبران پذیر	—
۲۱	کافی ج ۴، ص ۲۷۵	و آ تا مخالف	امام جواد	محدثین عمر	ان همدانی	محدثین عمر	ان همدانی	باطل دانستن اعمال	—	حق	فاقد قدرت	پندار	فردی	جبران پذیر	—
۲۵	من لا یحضره ج ۴، ص ۵۸	مخالفان	مام صادق	مسلمانان	دین	ممنوعیت شراب	ممنوعیت شراب	بی اعتنایی به حرمت اجتماعی او	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران پذیر	—
۸	الصادق ج ۱، ص ۷۵	فاجر مخالف	مام صادق	مسلمانان	قرآن	خبر عادل و فاسق	—	رد و قبول نکردن مخالف قرآن	—	—	—	—	—	—	—
۹	تهذیب ج ۷، ص ۳۲	مخالفان	امام صادق	شیعیان	کتاب خدا	شرطی در معامله	عدم تطابق	رد شرط	—	حق	در جایگاه قدرت	گفتار	جمعی	جبران پذیر	—

۳-۲. تبیین (تحلیل)

مضامین فقراتی که لفظ «مخالف» و مشتقات آن را در خود جای داده‌اند، تحلیل می‌شوند تا وجوه اشتراک و افتراق دو دین حول مؤلفه‌های ذیل مشخص شود:

۳-۲-۱. بار ارزشی واژه

معمولاً به کارگیری کلمه «مخالف» توسط شخص مضاف‌الیه یا همان مخالف، نوعی بار ارزشی منفی در نظر کاربر دارد؛ چراکه افراد در ارتباط با او از سه حال خارج نیستند: بخشی همسویند؛ گروهی بی‌طرفاند و دسته‌ای در مقابل شخص قرار دارند که نوع اخیر، مطابق مخالفت است. بنابراین، نگاه منفی به لفظ «مخالف» از حیث عقل و عرف پذیرفتنی است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا استعمال این لفظ در منابع مقدس مسیحیت و اسلام نیز شامل این بار ارزشی است؟ به عبارتی دیگر، آیا به هر مخالفی می‌توان نگرش منفی داشت؟ برای رسیدن به جواب باید مضمون بار ارزشی مربوط به این واژه و مشتقات آن را با نگاه درون‌دینی بدین صورت تحلیل کرد:

الف) متون مقدس مسیحیت

بیشترین مواردی که به‌عنوان «مخالف» یاد شده‌اند، عبارت‌اند از: حضرت داود^ع با شش مرتبه تکرار؛ خداوند و یهودیان گوناگون با چهار مرتبه؛ بنی اسرائیل و معارضان خدا دو مرتبه؛ و هر کدام از مواردی همچون معارضان عیسی^ع، موسی^ع، نحیمیا، پولوس و... فقط یک مرتبه. از ۲۹ واژه «مخالف» و مشتقات آن که در عهدین آمده، دوازده مرتبه به معارضان اشخاص محترم و ارزشمند اطلاق شده است که بار ارزشی منفی دارند؛ اما فقره‌ای که خداوند «مخالف» نامیده شده، مانع از این می‌شود که بار منفی بر «مخالف» مترتب شود؛ بنابراین بهتر است ارزشی یا ضدارزشی بودن شخص «مخالف» را به متعلق آن بازگرداند. گویی این کلمه ذاتی خشی دارد و آنچه خوب و بد بودن «مخالف» را مشخص می‌کند، متعلق کلمه است، نه خود آن. به عبارتی دیگر، آنچه بار مثبت یا منفی مخالفت را تعیین می‌کند، شخص آن نیست؛ بلکه موضوع آن است؛ مانند مخالفت مثبتی که سه بنی اسرائیلی خداپرست به نام‌های شدَرک، میشک و عبدَنَعُو با مدعی ربوبیتی همچون نبوکدنصر و تمثال او، از خود بروز دادند (دانیال ۳: ۲۸-۳۱).

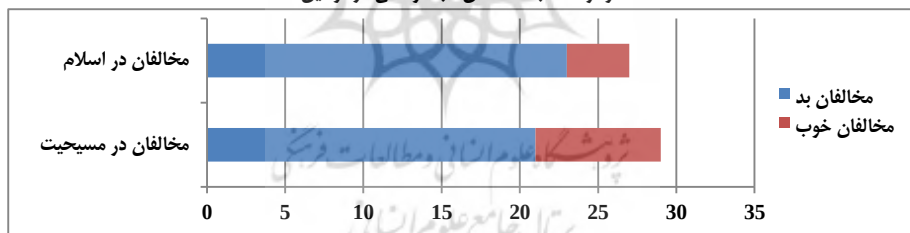
(ب) متون مقدس اسلام

بیشترین واجدان لفظ «مخالف»، معارضان خاندان نبوت ﷺ با یازده مرتبه تکرار معرفی شده‌اند؛ بعد از آن، شیعیان با سه مرتبه و نیز خداوند و معارضان امام با دو مرتبه و هر کدام از مواردی همچون شراب‌خوار، اشخاص خاص، خبر واحد، متقین و... فقط یک مرتبه متلبس به این کلمه شده‌اند. از ۲۷ واژه «مخالف» و مشتقات آن که در عهدین آمده، ۲۳ مرتبه به معارضان اشخاص محترم و ارزشمند اطلاق شده است که بار ارزشی منفی دارند؛ اما خداوند، انسان‌های زاهد و وارسته‌ای چون حضرت شعیب علیه السلام و متقین نیز «مخالف» نامیده شده‌اند که همین امر مانع است از اینکه بار منفی به واژه «مخالف» اطلاق شود. بنابراین کلمه یادشده در اسلام بار ارزشی ندارد و به صورت خنثی عمل می‌کند. به عبارتی دیگر، مانند متون مقدس مسیحی، باید به متعلق و موضوع آن نگریست تا مثبت یا منفی بودن جریان مخالفت مشخص شود.

(ج) تطبیق

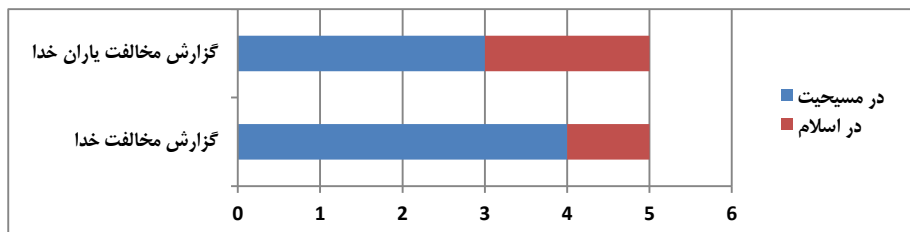
در متون مقدس مسیحیت ۲۱ مورد و در متون مقدس اسلام ۲۳ مورد «مخالف» منفی و بد وجود دارد که مخالفت آنها با خدا و شریعت او و افراش گزارش شده است. همچنین اخبار مخالفت‌های مثبت در مسیحیت هشت مرتبه بوده؛ در حالی که این عدد برای اسلام شش مورد است. به عبارت دیگر، خوبان در مسیحی و بدان در اسلام بیشتر مخالفت کرده‌اند.

نمودار ۱. نسبت مخالفان مثبت و منفی هر دو دین



هرچند مخالفت بدان طبیعی است، ولی پایین بودن مخالفت خوبان نشان از سعه صدر آنهاست. طبق گزارش‌ها، خدا در اسلام یک مرتبه و در مسیحیت چهار مرتبه مخالفت می‌کند. مخالفت یاران خدا در اسلام دو مرتبه و در مسیحیت سه مرتبه مکتوب شده است. البته شریعت در اسلام دو مرتبه و در مسیحیت یک مرتبه چنین کرده‌اند.

نمودار ۲. نسبت مخالفت خدا و یارانش در هر دو دین



۲-۳. حصر معنا در واژه

در نگاه اول، شاید الفاظی همچون «دشمن» و «مخالف» یک معنا را تداعی کنند؛ اما آیا این معنا در ادبیات تخصصی و کلاسیک نیز قابل مشاهده است؟ برای اثبات یا رد اشتراک معنوی این الفاظ، به متون مقدس هر دو دین مراجعه می‌شود.

الف) متون مقدس مسیحیت

در بعضی از فقرات متن مقدس مسیحیت بین واژه «مخالف» و کلمه «دشمن» فرق گذاشته شده است؛ مانند آنجا که خداوند به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: «هر آینه دشمن دشمنان و مخالف مخالفان خواهی بود» (خروج ۲۳: ۲۲) یا حضرت داود علیه السلام با صراحت تفریق این دو را چنین بیان می‌کند: «مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم و مخالفانم از پریشانی‌ام شادی نمایند» (مزامیر داود ۱۳: ۴).

ب) متون مقدس اسلام

در جملات عربی متن مقدس اسلام نیز بین «دشمن» و «مخالف» فرق گذاشته شده؛ حتی خود دشمن نیز با کلمات گوناگون معرفی شده است؛ مانند: «أَعْدَاءُ» (ممتحنه: ۲)، «الْقَالِينَ» (شعراء: ۱۶۸)، «ضِدًّا» (مریم: ۸۲)، «يُحَادُّونَ» (مجادله: ۲۰)، «قَلَى» (ضحی: ۳) و «غَيِّبًا» (مدثر: ۱۶)؛ بنابراین نه تنها «مخالف» با «دشمن» فرق دارد، بلکه مفهوم «دشمن» نیز در قالب الفاظ مختلفی استعمال شده است که هر کدام مفهوم خاص خود را دارد.

ج) تطبیق

با استناد به فقرات این بخش، در هر دو دین مسیحیت و اسلام قابلیت تساوی مفاهیم «مخالف» و «دشمن» وجود ندارد؛ اما این به معنای تباین آنها نیست. برای جمع بین مترادف صحیح ادبی این دو لفظ و نیت استعمالی که گوینده در متن مقدس مسیحیت و اسلام دارد، می‌توان از رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق استفاده کرد. به عبارتی «مخالف» مفهومی مشکک است که درجه‌ای از آن با معنای «دشمن» تساوی دارد و درجه‌ای دیگر مستقل است؛ بنابراین تمام دشمن‌ها مخالف به‌شمار می‌آیند؛ ولی هر مخالفی دشمن نیست. با این بیان، مخالفت در سه مرحله ظهور پیدا می‌کند:

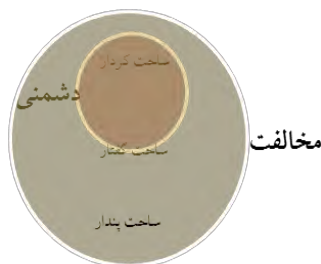
ساحت پندار: گاهی تقابل در سطح اندیشه رخ می‌دهد. در این حالت، کنش متقابل یا همان مواجهه بی‌معنا می‌شود. «مخالف بودن» به جای «دشمن بودن»، مناسب این وضعیت است. پس رابطه دو واژه «تباین» خواهد بود.

ساحت گفتار: اگر دو کنشگر، تقابلی در سطح گفتار داشته باشند، بسته به اینکه تهدیدی مطرح شود یا خیر، واژه «مخالف» و «دشمن» تعیین می‌شود. به عبارتی، اگر کنشگر اول موضعی را اتخاذ کند و کنشگر دوم آن را نپذیرد یا رد کند، مخالفت رخ داده است؛ ولی اگر تهدید نیز همراه آن باشد، دشمنی اتفاق افتاده است. با این توصیف، رابطه دو واژه «مخالف» و «دشمن» در ساحت گفتار به صورت «عموم و خصوص من وجه» است.

ساحت کردار: حد شدید یک کنش متقابل، در ساحت کردار نمایان می‌شود. اگر مواردی همچون قیام و قعود شورایی برای اعلام رأی - که از رد یا عدم پذیرش مواضع نفر اول حکایت دارد - استثنا شود، بیشتر

رفتارهای این ساحت تحریک‌آمیز و تهدیدکننده است. بنابراین «مخالفت» با «دشمنی» مترادف می‌شود و بین دو واژه در ساحت یادشده «تساوی» برقرار است.

شکل ۱. نسبت‌های مخالفت و دشمنی



۳-۲-۳. مواجهه

کنش متقابل یا همان مواجهه‌ای که از جانب مخالف بروز می‌کند، به مؤلفه‌های دیگری بستگی دارد که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

الف) متون مقدس مسیحیت

فقرات دین مسیحیت در ۲۲ بند مواجهه چرخه‌های مخالفت را گزارش کرده‌اند که طی آن، شش مرتبه حضرت داود^ع مواجهه کرده است؛ همچنین چهار مرتبه مواجهه پولس و انصارش، سه مرتبه مواجهه خدا و یک مرتبه مواجهه حضرت موسی^ع، حضرت عیسی^ع، متوکالان به خدا، تعالیم راستین، جمیع مردم و... گزارش شده است. مواجهات شش مرتبه در ساحت کردار بوده‌اند که چهار مرتبه آن جبران‌ناپذیر و دو مرتبه جبران‌پذیر است.

ب) متون مقدس اسلام

فقرات دین اسلام نیز در ۳۳ بند مواجهه یک چرخه مخالفت را گزارش کرده‌اند که طی آن، شش مرتبه خاندان پیامبر^ص مواجهه کرده‌اند؛ همچنین چهار مرتبه مواجهه ولایت، سه مرتبه مواجهه شیعیان و یاران امام، دو مرتبه مواجهه خود امام و یک مرتبه مواجهه امر پیامبر^ص، قوم شعیب^ع، کتاب خدا، دین، خدا و رسولش، مذهب شیعه و... گزارش شده است.

ج) تطبیق

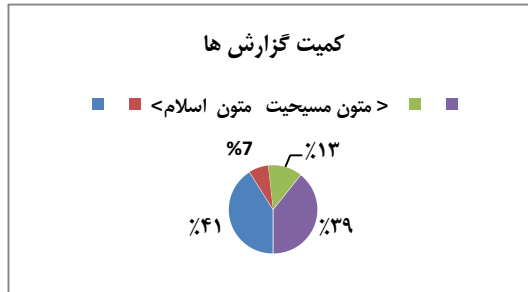
کمیت و کیفیت فقرات مخالفت‌هایی که در آن مواجهه رخ داده، در جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۳ تجمیع شده است.

جدول ۳. مقایسه کمیت و کیفیت مواجهه در متون مقدس مسیحیت و اسلام

پیشینهٔ مسیحیت و جایگاه آن در سبک زندگی مسیحیان و اسلام														
مؤلفه		کمیت		وضعیت مواجهه		قدرت مواجهه‌کننده		ساحت مواجهه			وسعت مواجهه		قابلیت جبران	
تعداد گزارش		تعداد مواجهه	حق	باطل	در جایگاه قدرت	فقد قدرت	کردار	گفتار	پندار	جمعی	فردی	جبران‌پذیر	جبران‌ناپذیر	
۲۹		۲۲	۲۰	۲	۱۳	۵	۶	۱۴	۲	۱۶	۶	۱۷	۴	
اسلام		۲۷	۲۳	۲۲	۱	۷	۱۶	۲	۱۸	۴	۱۸	۵	۲۳	۰

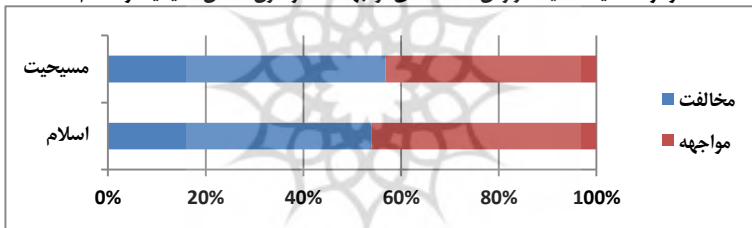
یکم. کمیت

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده، از مجموع ۲۹ گزارش مخالفت که به متون مسیحیت اختصاص دارد، ۲۲ مواجهه در آن توصیه یا عملی شده است. در متون اسلامی نیز ۲۷ گزارش وجود داشت که ۲۳ مرتبه آن دارای مواجهه است. نمودار ۳. مقایسه کمیت گزارش مخالفت‌های مواجهه‌دار و بی مواجهه در متون مقدس مسیحیت و اسلام



بر این اساس، سهم گزارش‌های مسیحی ۵۲ درصد و گزارش‌های اسلامی حدود ۴۸ درصد است. بنابراین متون مسیحیت گزارش بیشتری را از مخالف و مخالفت ارائه داده است.

نمودار ۴. مقایسه کمیت گزارش مخالفت‌های مواجهه‌شده در متون مقدس مسیحیت و اسلام

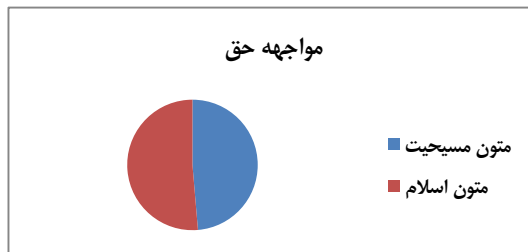


البته فقرات متون اسلامی در مورد مخالفت‌هایی که دارای مواجهه هستند، از حیث تعداد و درصد بیشتر از مسیحیت است.

دوم. وضعیت مواجهه

از مجموع مواجهه با مخالفت‌هایی که در هریک از متون مقدس گزارش شده است، متون مسیحیت دو مواجهه باطل و بیست مواجهه حق‌انگارانه با مخالفان را ذکر کرده‌اند. به عبارتی حدود ۹۱ درصد آن حق‌به‌جانب بوده است. در طرف دیگر، یک مواجهه باطل و ۲۲ مواجهه حق با مخالفان خود گزارش شده؛ یعنی نزدیک به ۹۶ درصد آن حق بوده است.

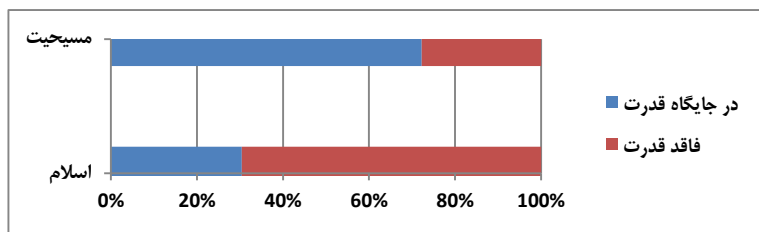
نمودار ۵. مقایسه کمیت گزارش مواجهات حق در متون مقدس مسیحیت و اسلام



سوم. قدرت مواجهه‌کننده

از مجموع هجده مواجهه وضعیت‌دار در متون مسیحی، سیزده مورد آن در جایگاه قدرت بروز کرده و پنج مورد آن بدون قدرت صورت گرفته است. در طرف دیگر، از مجموع ۲۳ مواجهه وضعیت‌دار در متون اسلامی، شانزده مورد آن در حالت فاقد قدرت، رخ داده است و تنها هفت مورد از مواجهه‌کنندگان دارای قدرت بوده‌اند.

نمودار ۶: مقایسه جایگاه قدرت در گزارش مخالفت‌های مواجهه‌شده متون مقدس مسیحیت و اسلام

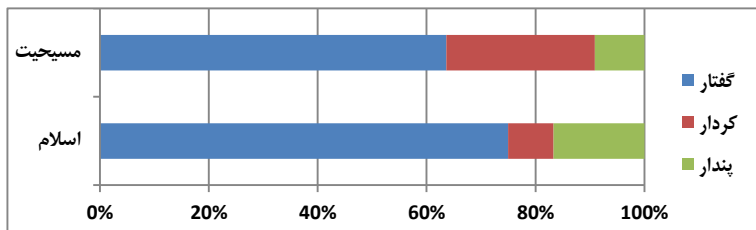


بر اساس ارقام به‌دست آمده، مواجهه با مخالفان در اسلام، معلق به قدرت نمانده و به‌تنهایی بروز کرده است و از آنجایی که تمامی مواجهات گزارش‌شده در متون اسلامی حق‌به‌جانب بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که طرف‌داری از حق ایجاب می‌کند در هر حالتی - حتی فقدان قدرت - مواجهه صورت گیرد. این امر در مواجهات حق‌مدارانه مسیحیت برعکس بوده و حق فقط زمانی پاسداری شده که قدرت وجود داشته است. این نتیجه‌گیری در حالی رخ می‌دهد که در شریعت اسلامی مدنظر این تحقیق، پدیده تقیه وجود دارد؛ اما در مسیحیت خیر. به عبارت دیگر، با توجه به قوانین هریک، طرف‌داری از حق در حالی توسط متون اسلامی پررنگ گزارش شده است که استفاده از تقیه ممکن و حتی واجب بوده؛ در صورتی که در مسیحیت حمایت از حق به صورت مطلق بر طرف‌داران آن، تکلیف است. با وجود این، آنچه در عمل مشاهده می‌شود، عکس آن است و این گزارش‌های اسلام است که درصد بالاتر طرف‌داری از حق را با وجود در دسترس نبودن قدرت، به خود اختصاص داده است.

چهارم. ساحت مواجهه

طبق آمار متون مسیحیت، مواجهات چهارده مورد در ساحت گفتار، شش مورد در ساحت کردار و دو مورد در ساحت پندار صورت گرفته است. به عبارتی سهم هر قسمت در مواجهات به ترتیب ۶۴، ۲۷ و ۹ درصد است؛ یعنی در کتب مسیحیت مواجهات در گفتار سه برابر کردار و هفت برابر پندار است؛ اما در متون اسلامی ساحت پندار با کردار جابه‌جا می‌شود؛ یعنی هجده مورد در گفتار، چهار مورد در پندار و دو مورد در ساحت کردار است. به عبارت دیگر، در متون اسلامی مواجهات گفتاری بیش از چهار برابر پندار و بیش از هشت برابر کردار ثبت شده است.

نمودار ۷. مقایسه ساحت‌های مواجهه در گزارش مخالفت‌های مواجهه‌شده متون مقدس مسیحیت و اسلام

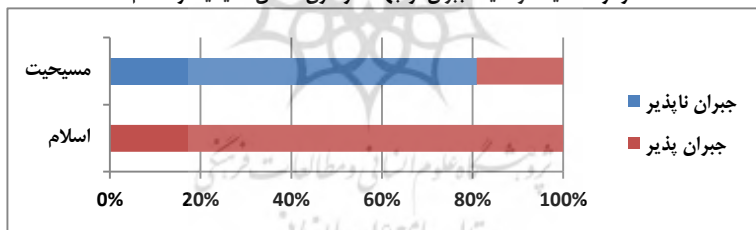


بر این اساس در هر دو دین «گفتار» ساحت پرتکرار برای مواجهه ترجیح داده شده؛ اما متون اسلامی کمتر از «کردار» گزارش کرده است که همین جایگاه در مسیحیت به «پندار» تعلق دارد. برای تفسیر بهتر شاید بتوان از بخش قبلی، یعنی قدرت مواجهه‌کننده، چنین استفاده کرد که با توجه به جایگاه پررنگ قدرت در متن مقدس مسیحیت، ساحت کردار بیشتر، خارج از انتظار نیست. با این تعریف، هرچند تعداد مواجهه بین اسلام و مسیحیت برابر بود، اما متون اسلامی طرف‌داری از حق را با گفتار دنبال می‌کرد که شاید به عدم قدرتمندی مواجهه‌کنندگان مربوط باشد.

پنجم. قابلیت جبران

طبق نتایج به‌دست‌آمده، گزارش‌های متون مسیحیت از مجموع مواجهات خود هفده مورد را جبران‌ناپذیر توصیف می‌کند و چهار مورد را جبران‌پذیر؛ در صورتی که متون اسلامی تمامی مواجهات خود را جبران‌پذیر بیان می‌کند.

نمودار ۸. مقایسه وضعیت جبران مواجهات در متون مقدس مسیحیت و اسلام



بر این اساس، حدود بیست درصد مواجهات در گزارش‌های مسیحی جبران‌ناپذیرند که این امر به قدرتمندی مواجهه‌کنندگان مربوط است؛ اما در طرف دیگر، یعنی اسلام، گزارش‌های رسیده حکایت از مواجهاتی دارد که به مرحله عدم جبران نرسیده‌اند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه مرور شد، متون مسیحیت و اسلام در زمینه «مخالف» و مواجهه با آن مشترکاتی دارند؛ از جمله اینکه: هر دو دین درباره «مخالف» سخن گفته‌اند. مخالفت‌ها، هم از طرف خدا و حزبش بوده و هم از جانب مقابلان آنها. مخالفت‌ها با مواجهه پاسخ داده شده‌اند. مواجهات در سه ساحت پندار، گفتار و کردار بروز کرده‌اند که مورد اخیر آن با «دشمنی» ترادف دارد و گفتار پرکاربردترین ساحت است. غالب مواجهات برای پاسداشت حق رخ داده است.

هرچند موارد یادشده و کمیت مواجهات جزء مشترکات متون مسیحی و اسلامی است، اما در کیفیت آن تفاوت‌هایی وجود دارد. اسلام بیشتر در معرض مخالفت قرار گرفته؛ باین‌حال مخالفت‌های کمتری از خود بروز داده است؛ از طرف دیگر، نوع مخالفت‌ها نیز به گونه‌ای بوده که مواجهه کمتری را سبب شده است. گزارش مواجهات حق‌مدارانه در اسلام بیش از مسیحیت بوده و این در حالی است که مواجهه‌کنندگان متون اسلامی از قدرت کمتری برخوردار بودند. ساحت بعدی مواجهه در متون اسلامی، پندار و سپس کردار است؛ برعکس مسیحیت، که بیشتر در قالب کردار و اندکی پندار بروز می‌کند. البته طبق گزارش‌های اسلامی، در هر سه ساحت یادشده به گونه‌ای برخورد می‌شده است که قابلیت جبران داشته باشد؛ برخلاف مسیحیت که حدود بیست درصد مواجهاتش جبران‌ناپذیر بوده‌اند.

بنابراین اگر نسخه اسلامی در دنیای امروز اجرا شود، تحمل و گذشت بیشتر می‌شود؛ مگر زمان دفاع از حق که در آن حالت، بدون در نظر گرفتن قدرت نیز باید اقدام کرد، حتی در ساحت پندار؛ زیرا علاوه بر حمایت از حق، پیامدهای جبران‌ناپذیر نیز کاهش پیدا می‌کند. البته چگونگی ایجاد چنین دستاوردهایی نیازمند بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کنش، بینش و گرایش‌های انسان توسط متن مقدس هر دو دین است که پژوهش دیگری را می‌طلبد.



منابع

قرآن کریم.

ابوالعزم، عبدالغنی (۱۴۳۲ق). معجم الغنی / الزاهر. رباط: مؤسسة الغنی.

آرام، علیرضا و فاضلی سیداحمد (۱۳۹۷). فضیلت‌گرایی اخلاقی در تفسیر متن مقدس. / اندیشه دینی (دانشگاه شیراز)، ۱۸(۲)، ۲۸۱.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷). صفات الشیعه. ترجمه سعید راشدی. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: دار الفکر.

رام، برناد (۱۹۵۰م). علم تفسیر کتاب مقدس در مذهب پروتستان. ترجمه آرمان رشدی. وبگاه کلمه به نشانی:

shop.kalameh.com

پناهی آزاد، حسن و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۲). تبیین و نقد پراگماتیسم. فصلنامه کلام اسلامی، ۲۲(۸۸)، ۱۲۹-۱۵۰.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: مؤسسه

آل البیت (ع) لإحياء التراث.

رزاقی موسوی، سیدقاسم (۱۳۸۳). مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی. معرفت، ۱۳(۸۶)، ۱۵-۲۲.

شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین. / اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

صادقی شهپر، علی (۱۳۸۷). روش شناسی عرفان تطبیقی. نیمسالنامه تخصصی پژوهشنامه ادیان، ۲(۴)، ۷۵-۱۰۰.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۳۰ق). العروة الوثقی. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، مؤسسه النشر الاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق). تهذیب الأحکام. تحقیق: خراسان حسن، تصحیح: آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: ویرایش: فرهاد قربان زاده، ناشر: آشخ.

عیوضی، حیدر، مقری، احمد و گلپایگانی، محسن (۱۳۹۵). هنری مارتین و ترجمه انجیل او به سبک ادبیات فارسی یهود: تحلیل

زبان شناسی - معنایی. / ایران نامگ، ۱(۲)، ۹۲-۱۰۴.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فیض کاشانی، محمد بن شاهمرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۴۱۰ق). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تحقیق: حسن درگاهی. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد

الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.

کتاب مقدس (۲۰۰۹م). ترجمه قدیم. انگلستان: انتشارات ایلام.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ق). الکافی. تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

لطیفی، علی و ظریفیان یگانه، محمدحسین (۱۳۹۱). اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی (ع).

پژوهشنامه اخلاق، ۵(۱۵)، ۱۰۱-۱۱۶.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳-۱۴۱۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). جمع: علی اکبر غفاری. بیروت: دار

إحياء التراث العربی.

معرفت، محمدهادی (۱۳۹۴). علوم قرآنی. تهران: سازمان سمت.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.

نصیری، علی (۱۳۸۲). آشنایی با علوم حدیث. قم: انتشارات حوزه علمیه.

Quran.

Abu'l-'Azam, A. G. (2011). Mu'jam al-ghani al-zahir. Rabat: Mu'assisat al-Ghani.

Amid, H. (2010). Farhang Amid. Tehran: Ashja' Publishing.

Aram, A. R., & Fazeli, S. A. (2018). Moral virtue ethics in interpreting sacred text. Andisheh Dini (University of Shiraz), 18(2), 1-28.

Ayvazi, H., Moqri, A., & Golpayegani, M. (2016). Henri Martin and his translation of the Bible in Judeo-Persian literary style: Linguistic-semantic analysis. Iran Nameh, 1(2), 92-104.

Bible. (2009). Old translation. England: Elam Publications.

Dehkhoda, A. A. (1998). Loghatnameh Dehkhoda. Tehran: University of Tehran Press.

Faiz Kashani, M. b. S. M. (1994). Tafsir al-safi. Tehran: Maktabat al-Sadr.

Hor al-Amili, M. b. H. (1991). Wasa'il al-shi'ah ila tahsil masa'il al-shari'ah. Edited by A. R. Rabbani Shirazi. Beirut: Mu'assasat Al al-Bayt li-Ihya' al-Turath.

Ibn Babawayh, M. b. A. (1983). Man la yahduruhu al-faqih. Edited by A. A. Ghaffari. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami.

Ibn Babawayh, M. b. A. (2008). Sifat al-shi'ah. Translated by S. Rashidi. Qom: Mu'assasat Imam al-Sadiq.

Ibn Faris, A. (1978). Mu'jam maqayis al-lugha. Edited by A. S. M. Harun. Qom: Dar al-Fikr.

Kulayni, M. b. Y. (1968). Al-kafi. Edited by A. A. Ghaffari & M. Akhoundi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

Latifi, A., & Zari'ifian Yeganeh, M. H. (2012). Principles and methods of educational approach to opponents in communicative ethics of Imam Ali. Research Bulletin of Ethics, 5(15), 101-116.

Majlisi, M. B. (1982-1983). Bihar al-anwar al-jami'ah li-durar akhbar al-a'immah al-atahar. Collected by A. A. Ghaffari. Beirut: Dar ihya' al-turath al-arabi.

Ma'refat, M. H. (2015). Olum-e qor'ani. Tehran: SAMT Organization.

Mo'in, M. (2007). Farhang mo'in. Tehran: Zarin.

Nasiri, A. (2003). Introduction to hadith sciences. Qom: Hawzah Ilmiyyah Publications.

Panahi Azad, H., & Ahmadvand, V. M. (2013). Explanation and criticism of pragmatism. Faslnameh Kalam Islami, 22(88), 129-150.

Qumi Mashhadi, M. b. M. R. (1989). Tafsir kanz al-daqa'iq wa bahr al-ghara'ib. Edited by H. Dargahi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Mu'assasat al-Tab' wa al-Nashr.

Ram, B. (1950). Science of interpretation of holy scripture in Protestant religion. Translated by A. Rashidi. Retrieved from <https://shop.kalameh.com>

Razzaqi Musavi, S. Q. (2004). Moderation with opponents and struggle against adversaries in Prophet's biography. Ma'rifat, 13(86), 15-22.

Sadeghi Shehpar, A. (2008). Methodology of comparative mysticism. Specialized Quarterly of Research Bulletin of Religions, 2(4), 75-100.

Sheykhkhzadeh, M. (2011). Content analysis and content network. Strategic Management Thought, 5(2), 151-198.

Tabataba'i Yazdi, S. M. K. (2009). Al-'Urwat al-wuthqa. Qom: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawzah al-'Ilmiyah, Mu'assasat al-Nashr al-Islami.

Tusi, M. b. H. (1985). Tahdhib al-ahkam. Edited by H. Khorasan & A. Akhoundi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

English

Chicago statement 1978 of the international council on biblical inerrancy.

Stephen, Barton (2003). *Holiness: Past and Present*. Edinburgh: T&T Clark.

Bowden, John (2005). *Christianity: the Complete Guide*. London: Continuum.

Law, David R. (2001). *Inspiration (New Century Theology)*. London and New York: Continuum.